



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷

## سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل<sup>۱</sup>

حسین کریمی‌فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

سیاست خارجی ترامپ، به لحاظ نظری، رگه‌هایی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی دارد. ترامپ به مرور زمان بر اثر مواجه شدن با واقعیت‌های سیاست در داخل و خارج آمریکا، در حال سوق دادن سیاست خارجی این کشور به سمت واقع‌گرایی و عملگرایی است. فشار نهادهای مختلف در آمریکا - اعم از رسمی یا غیررسمی و نهادهای چندجانبه بین‌المللی، متحدان آمریکا در جهان و سایر کنشگران جهانی - کار ترامپ را در تحقق وعده‌های انتخاباتی خود در حوزه سیاست خارجی دشوار کرده است. آمریکا با اینکه از لحاظ منابع قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در صدر کشورهای جهان است نمی‌تواند به‌طور کامل نسبت به دیگر کنشگران سیاسی جهان مثل دولت‌ها، نهادها یا فرایند جهانی شدن بی‌توجه باشد. فرضیه این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی تدوین شده این است که «ایالات متحده پس از مواجه شدن با واقعیت‌های نظام جهانی به سمت سیاست خارجی عملگرا و واقع‌گرا متمایل شده است».

**کلیدواژه‌ها:** سیاست خارجی، واقع‌گرایی، عمل‌گرایی، ترامپ، ایالات متحده آمریکا.

---

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

۲. گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول): رایانامه: hkarimifard@yahoo.com



## ۱. مقدمه

ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی، مؤثرترین و نافذترین بازیگر در ایجاد و گسترش مؤلفه‌های نظم جهانی و ضمانت از آن‌ها بوده است. دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، در سال ۲۰۱۶ م، وعده داد نقش، منافع، و اهداف این کشور را در خصوص نهادها و ترتیبات بین‌المللی بازتعریف کند. اهداف مدنظر ترامپ در حوزه سیاست خارجی با بنیان‌های نظم حاکم بر جهان در تضاد است. در صورت اجرایی شدن سیاست خارجی مدنظر ترامپ، نظم جهانی مبتنی بر هنجارها، قواعد و عرف‌های حاکم بر روابط و مناسبات بین کنشگران سیاسی به صورت نظام‌مند تضعیف خواهد شد. دولت ترامپ با رویکرد یک‌جانبه‌گرایی قصد دارد با حاکمیت قدرت (و نه حاکمیت قانون) به منافع و امنیت خود دست یابد.

در جهان واقعی سیاست، دولت جدید آمریکا هنوز نتوانسته است برنامه‌ای تحت عنوان یک سیاست خارجی جامع یا یک راهبرد کلان برای ایجاد نظم جهانی تنظیم کند. واکنش به رویدادهای روزانه و ایجاد سیاست خارجی بر اساس ویژگی‌های شخصی ترامپ از مشخصات سیاست خارجی آمریکا در دوره فعلی است. ترامپ در صدد ارتقای موقعیت جهانی کشور خود است اما برای تعامل با متحدان اصلی، کسب منافع ملی، و همکاری با دولت‌های دیگر در جهت تعقیب اهداف جهانی آمریکا راهکاری ندارد. او هنوز به رئیس‌جمهوری متعارف تبدیل نشده است اما بسیاری از مشاورانش، کنگره و دادگاه‌ها می‌توانند در هنجارمند کردن<sup>۲</sup> رفتار او نقش مهمی ایفا کنند (Larres, 2017: 14).

بسیاری از موضع‌گیری‌ها و طرح‌هایی که ترامپ در دوران مبارزات انتخاباتی در حوزه سیاست خارجی مطرح کرد، در حال تغییر است. در حقیقت، ترامپ مجبور شده است بعضی از واقعیت‌های سیاسی را بپذیرد. روابط با چین، روسیه و ناتو در همین چارچوب قابل تحلیل است. ترامپ در دیدار با رئیس‌جمهور چین در آوریل ۲۰۱۷ م خواستار رابطه متوازن بین پکن و واشنگتن شد، در حالی که قبلاً از سیاست اقتصادی چین انتقاد کرده بود. تردید ترامپ درباره تداوم همزیستی با ناتو به حمایت آمریکا از متحدانش در ناتو تبدیل شد. همچنین او از رفتار بین‌المللی روسیه در سوریه و اوکراین و... انتقاد کرد. این موارد نشان می‌دهد که «واقعیت» بر تفکر خام ترامپ در چند ماه ابتدایی ریاست جمهوری او غلبه کرده است.

هدف از نگارش این مقاله بررسی و تحلیل تغییر و تحولات سیاست خارجی ترامپ در موضوعات مختلف و مناطق مهم جهان از زمان تبلیغات ریاست جمهوری تاکنون است. در حال تکوین بودن سیاست خارجی ترامپ و قلت منابع در این حوزه از محدودیت‌های نگارنده



در نگارش مقاله بود. این تحقیق با مطالعه مقالات اینترنتی، کتب و فصلنامه‌های تخصصی روابط بین‌الملل انجام شده است. همچنین برای اثبات فرضیه از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده است. اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع ناشی از جایگاه ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌الملل، تأثیرگذاری این کشور در گستره جهانی و منش و شخصیت خاص ترامپ است. علاوه بر مؤلفه‌های فوق، هر نوع تغییری در سیاست خارجی آمریکا تحولات عمده‌ای در سطح جهان در پی خواهد داشت و همه بازیگران جهانی را از آن متأثر خواهد ساخت. همین نکته‌ها است که اکثر کشورهای جهان را واداشته است تغییر و تحولات سیاسی آمریکا را رصد کنند.

## ۲. مبانی نظری

### ۲.۱. واقع‌گرایی

واقع‌گرایی نظریه مسلط و جریان اصلی<sup>۴</sup> روابط بین‌الملل است. این نظریه موضوعات را به دو حوزه اصلی (نظامی، امنیتی) و فرعی (اقتصاد، فرهنگ و...) تقسیم کرده است و به حوادث و وقایع سیاسی نگاهی بدبینانه و شکاکانه دارد. از دیدگاه واقع‌گرایی، به دلیل فقدان اقتدار فائده در روابط بین‌الملل، عرصه جهانی دچار اقتدارگریزی (آنارشسی) است. در چنین فضایی دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل برای بقا و دستیابی به امنیت، خودیاری و راهبرد اتحاد یا ائتلاف برای مقابله با تهدیدات را در دستور کار خود قرار می‌دهند. ویلیام ولفورث<sup>۵</sup> از متفکران واقع‌گرایی بر گزاره‌های زیر در این رهیافت تأکید دارد:

دولت‌ها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل هستند، اصول اخلاقی جهان شمول در مورد دولت‌ها کاربردی ندارد، دولت‌ها منافع را بر اساس قدرت مادی محاسبه می‌کنند، حقوق و نهادهای بین‌المللی نقش حاشیه‌ای و فرعی در روابط بین‌الملل دارند، نظام بین‌الملل اقتدارگریز است، دولت‌ها به‌همدیگر اعتماد و اطمینان کافی ندارند، زور را عنصر مفید و کاربردی در روابط بین‌الملل می‌دانند، سیاست موازنه قدرت بر روابط بین‌الملل مسلط است. (Wohlforth, 2008: 32)

مفروضات اصلی واقع‌گرایی عبارت‌اند از:

- اقتدارگریزی. همه واقع‌گرایان بر این باورند که نظام بین‌الملل اقتدارگریز است (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۹۷). در چنین محیطی دولت‌ها برای تأمین امنیت، بازار و... با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. ماهیت چنین رقابتی براساس بازی با حاصل جمع جبری صفر تبیین می‌شود (قوام، ۱۳۸۶: ۸۰).

4. Main Stream

5. William C. Wohlforth



- بازیگران اصلی. دولت‌ها کنشگران اصلی در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند. شأن کنشگری برای دولت‌ها قائل شدن به منزله آن است که دولت‌ها واحدهایی یکپارچه و خردورز تلقی می‌شوند؛ مانند یک انسان می‌اندیشند، تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۹۸).

- بی‌اعتمادی میان کنشگران. بی‌اعتمادی به نیت و انگیزه بازیگران ویژگی دائمی نظام بین‌الملل است. حتی در صورت مطلوب بودن نیت فعلی کنشگران، اطمینانی به ثبات این وضعیت نیست بنابراین نگرانی از نیت آتی بازیگران باعث تشدید بی‌اعتمادی، فریب کاری و شکنندگی همکاری‌ها می‌شود (مشیرزاده: ۹۹).

- قدرت. قدرت عامل تعیین کننده رفتار بین‌المللی است.

- بقا. همه کشورها «بقا» را قطعی ترین هدف سیاست خارجی خود تلقی می‌کنند (دوئرتی و فالترگراف، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

تشویق کشورهای دیگر برای مهار قدرت‌های در حال ظهور در اروپا، آسیای شمال شرقی و خلیج فارس، تعامل با کشورها فارغ از ماهیت درونی و طبیعت آن‌ها، تهدید به کاربرد زور در حوزه سیاست خارجی، سیاست‌های اقتصادی خارجی، بی‌توجهی به دموکراسی و حقوق بشر در روابط خارجی و عدم توجه به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مثل اتحادیه اروپا، ناتو، توافقنامه پاریس و... از نشانه‌های واقع‌گرایی در سیاست خارجی ترامپ است.

## ۲.۲. انزواگرایی / بین‌الملل‌گرایی

در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا دو سنت اصلی انزواگرایی و بین‌الملل‌گرایی وجود دارد به طوری که می‌توان سیاست خارجی این کشور را کشمکش بین سنت‌های انزواگرایی و بین‌الملل‌گرایی دانست.

سنت انزواگرایی بر آن است که مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با سایر واحدهای سیاسی را به حداقل کاهش دهد. معیارهایی مثل نیازهای داخلی، شرایط ژئوپلیتیک، تهدیدات و فشارهای خارجی و بافت و ساختار نظام بین‌الملل در اتخاذ سیاست انزواگرایی مؤثر هستند (قوم، ۱۳۸۶). معمولاً واحدهای سیاسی که راهبرد انزوا را انتخاب می‌کنند، از نظر اقتصادی و اجتماعی خوداتکا هستند و برای حفظ «شیوه زندگی» خود که شامل ارزش‌های اجتماعی، ساختارهای سیاسی و الگوهای اقتصادی است، لازم نمی‌بینند محیط خارجی را به نفع خود تغییر دهند. البته این به آن معنا نیست که هیچ دولتی به تنهایی نمی‌تواند با سایر ملت‌ها روابط تجاری و دیپلماتیک داشته باشد اما اگر رابطه‌ای برقرار کند، باید در حدی باشد که کشمکش‌های موجود در آن روابط به پیامدهای ناخوشایند نظامی یا تهدیدات نظامی از خارج

نینجامد (از غندی و روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴۰).

ایالات متحده آمریکا، پس از تأسیس، سیاست انزواگرایی را اتخاذ کرد و تا جنگ جهانی اول کمابیش به آن پایبند بود. در زمان درگیری‌های دیگر بازیگران با یکدیگر، آمریکا به یمن اتخاذ این راهبرد، توانست برای تبدیل شدن به یکی از دو ابرقدرت پس از ۱۹۴۵ و تنها ابرقدرت سه‌بعدی پس از ۱۹۹۱ م اقتدار لازم را به دست آورد (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

سیاست خارجی ترامپ تخریب «بین‌الملل‌گرایی» است؛ ایده‌ای که از سال ۱۹۵۰ م به بعد پایه و اساس ایدئولوژیک سیاست خارجی آمریکا را تشکیل می‌دهد. ترامپ‌سیسم یک جریان فکری و سیاسی است که در بعضی از جوامع لیبرال (مثل ماری لوپن در فرانسه و گریت ویلدر در هلند) از آن‌ها حمایت شده است. ترامپ‌سیسم در واقع نوعی انزواگرایی است که در مقابل لیبرالیسم قرار می‌گیرد. (Alili, 2017: 3) خارج شدن آمریکا از پیمان آب‌وهوایی پاریس، پیمان ترانس پاسفیک، سیاست‌های ملی‌گرایانه «نخست آمریکا»، حمایت‌گرایی اقتصادی و... نوعی انزوگرایی خودخواسته است (Cruz, 2017).

محققان یکی دیگر از سنت‌های سیاست خارجی آمریکا را سنت بین‌الملل‌گرایی لیبرال<sup>۶</sup> می‌دانند. از دیدگاه آن‌ها، روابط بین‌الملل، با گسترش لیبرالیسم، ارزش‌های دموکراتیک و بازارهای آزاد به سمت هماهنگی بیشتر پیش می‌رود. منازعه، نظام دولت - ملت و توازن قدرت و ویژگی‌های بنیادی روابط بین‌الملل محسوب نمی‌شوند. مشاجرات بین‌المللی از طریق دیپلماسی و نهادهای چندجانبه قابل حل و فصل شدن هستند.

در سال‌های اخیر، بعضی از محققان از گرایشی خاص در بین‌الملل‌گرایی با عنوان «بین‌الملل‌گرایی محافظه‌کار»<sup>۷</sup> نام برده‌اند. می‌توان اصول چهارگانه‌ای را در این دیدگاه برجسته کرد: «اول) نسبت به نهادهای چندجانبه، دولت - ملت قوی بازیگران کلیدی تری در امور بین‌الملل هستند. دوم) سنت بین‌الملل‌گرا بیشتر به ماهیت نظام‌های سیاسی و تعهد به گسترش آزادی بها می‌دهد تا به توازن قدرت و امنیت سرزمینی که مدنظر واقع‌گراها است. سوم) دیپلماسی به پشتوانه قدرت نظامی به موفقیت نائل می‌شود. چهارم) مبارزه برای آزادی و دموکراسی در خارج از مرزها هنگامی صورت می‌گیرد که نیاز و منافع کشور ایجاب نماید» (Laderman, 2017: 7).

بعد از جنگ جهانی دوم و تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، سیاست بین‌الملل‌گرایی به گرایش غالب در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بدل شد. آمریکا در قالب این سنت به اتخاذ راهبردهایی مثل سد نفوذ ترومن، انتقام گسترده آیزنهاور، پاسخ انعطاف‌پذیر کندلی،

6. Liberal internationalism

7. conservative internationalism





حقوق بشر کار تر... مبادرت ورزید. بعد از جنگ سرد و خصوصاً بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، در دوران جورج دبلیو بوش بین الملل گرایی خصلتی مداخله گرایانه و تهاجمی به خود گرفت و به تهاجم علیه افغانستان و عراق انجامید.

در عصر کنونی نیز، با توجه به ایده‌های ترامپ در حوزه سیاست خارجی، محققان دوباره مباحث انزوگرایی و بین المللی گرایی را مطرح کرده‌اند. «با توجه به اینکه ترامپ در شعارهای مبارزات انتخاباتی بسیاری از مؤلفه‌های سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم را زیر سؤال برد و شاخص‌هایی را مطرح کرد که بیشتر به سیاست خارجی آمریکا بین دو جنگ جهانی شبیه بود. این سؤال برای بعضی از محققان پیش آمد که آیا بین المللی گرایی آمریکا در سیاست مرده است؟ (Brands, 2017). ترامپ بارها در سخنرانی‌های انتخاباتی خود اعلام نمود که نیروهای خود را از ژاپن، کره جنوبی و ناتو خارج می‌کند. به نظر می‌رسد ترامپ در سخنرانی‌هایش نقش آمریکا در جهان را به عنوان یکی از محورهای مهم ایجادکننده نظم جهانی بعد از جنگ جهانی دوم نادیده گرفته است. (Haar, 2016)

اعلام سیاست‌های انزوگرایانه واکنش‌هایی را در داخل و خارج آمریکا برانگیخت. «بر اساس نظرسنجی‌هایی که در سال ۲۰۱۶ انجام شد ۶۵ درصد آمریکایی‌ها معتقد بودند جهانی شدن برای ایالات متحده آمریکا بسیار خوب بوده است و ۸۹ درصد معتقد بودند حفظ اتحادها عامل بسیار مهمی در دستیابی آمریکا به اهداف سیاست خارجی است. بر اساس یک تحلیل دیگر که مبتنی بر نظرسنجی گسترده شورای شیکاگو است، هنوز بین المللی گرایی جریانی مهم در سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود. طبق این تحلیل عموم مردم آمریکا فکر می‌کنند آمریکا هنوز بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین کشور در جهان است و هنوز باید نقش فعالی را در این زمینه ایفا کند. در واقع ترامپ بسیاری از جنبه‌های بنیادین دستور کار «نخست آمریکا» یعنی اعلام منسوخ کردن ناتو، راه‌اندازی یک جنگ تجاری با چین و... را در اثر مواجه شدن با واقعیت‌ها کنار گذاشته است» (Brands, 2017). در خارج از آمریکا نیز بسیاری از کشورهای عضو ناتو، اتحادیه اروپا و... دچار تشکیک در اتحاد با آمریکا شدند تا جایی که بعضی از سیاستمداران اروپایی (خصوصاً آلمانی‌ها) خواستار فعال شدن اتحادیه امنیتی اروپا شدند تا مسائل امنیتی اروپا را به ناتو گره نزنند.

### ۳.۲. عمل گرایی

عده‌ای از متخصصان سیاست خارجی ترامپ را «منفعت محور» قلمداد می‌کنند. آمریکا آزادی و استقلال را آرمان‌های خیر برای همه می‌داند اما تنها حامی و قهرمان ملت خود است. ترامپ در صدد است منافع مالی و ژئواستراتژیک آمریکا و ارتباط دو جانبه با متحدان این کشور را به



حداکثر برساند. او ایده خود در حوزه سیاست خارجی را تحت عنوان «نخست آمریکا» مطرح می‌نماید. به عبارت دیگر، آمریکا برای دفاع از آزادی و دموکراسی در نزاع‌های خارجی دخالت نمی‌کند، بلکه به دنبال تقویت خود در داخل کشور است. (3: Cherkaoui, 2016)

مشاوران ترامپ را افراد ایدئولوژی گرا و عمل گرا تشکیل داده است. جناح ایدئولوژی گرا و جناح عمل گرا طی یک سالی که از ریاست جمهوری ترامپ می‌گذرد، در حال مبارزه با یکدیگر بوده‌اند. جناح ایدئولوژی گرا در صدد است با تضعیف نظام بوروکراتیک یا اداری، به جکسونیسم بازگردد و برتری سفیدپوستان را برجسته کند. جناح عمل گرا خود را در سنت محافظه کاری ریگان می‌بیند. نظریه پردازانی مثل استیو بنن با ابراز نفرت از وضعیت موجود، در صدد هستند با انجام یک شورش هیجانی و احساسی به عصر طلایی آمریکا بازگردند. این امر در امور داخلی و خارجی دولت ترامپ قابل مشاهده است. جناح عملگرا با اعتقاد به رویکرد «نخست آمریکا» در صدد است تعامل و همکاری را در سیاست خارجی مدنظر قرار دهد. وضعیت رئیس جمهور غالباً نامعلوم است. او علاوه بر شنیدن نظرات هر دو جناح، با تعصبات و ترجیحات شخصی نیز با مسائل روبه‌رو می‌شود. استعفا یا برکناری بعضی از افراد شاخص ایدئولوژیک مثل استیو بنون نشان می‌دهد که ترامپ بیشتر تحت تأثیر جناح عملگرا است. (4: Larres, 2017)

### ۳. پیشینه مطالعات پژوهش

در مورد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، کتب و مقالات متعدد به زبان‌های فارسی و انگلیسی نوشته شده است. با اینکه مدت زیادی از ریاست جمهوری دونالد ترامپ نگذشته کتب و مقالات متعددی در مورد سیاست خارجی دولت جدید آمریکا نوشته شده است. ریچارد هاس در مقاله «نظم جهانی؛ موردی برای تعهد حاکم» سیاست خارجی ترامپ و تأثیرات آن بر اصل حاکمیت ملی و نظم جهانی را بررسی کرده است. چارلز کراتهامر در مقاله «سیاست خارجی انقلابی ترامپ» که در نشریه واشنگتن پست چاپ شده، نوشته است ترامپ به صورت بنیادین در صدد بازتعریف منافع ملی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم است. استفان والت در مقاله «آیا می‌توان صلح ترامپ‌فالیاداشت؟» مطالبی در ارتباط با سیاست خارجی ترامپ، نظم و صلح جهانی مطرح کرده است. دانیل همیلتون در مقاله «سیاست خارجی جکسونی ترامپ و پیچیدگی‌هایی برای امنیت اروپا» به ظهور جکسونیسم در سیاست خارجی ترامپ پرداخته و رویکرد ترامپ را در مورد پیچیدگی‌های امنیت اروپایی را بررسی کرده است.

#### ۴. تبیین سیاست خارجی ترامپ

از دیدگاه ترامپ، سیاست خارجی او با ما باعث ضعف و شکست این کشور در جهان شده است. «ترامپ با انتقادات جدی از سیاست‌های او با ما در عرصه داخلی و خارجی خواهان ایجا تغییراتی در آن‌ها شده است و برخی از این تغییرات بنیادی را در برنامه‌های انتخاباتی خود اعلام کرده است (Cherkaoui, 2016: 2).

شخصیت و رفتار پیش‌بینی‌ناپذیر، متناقض، حساس، و بی‌پروای ترامپ بر تعاملات خارجی آمریکا تأثیر گذاشته است. این امر رهبران خارجی را نسبت به سیاست خارجی آمریکا بی‌اعتماد کرده است. (Wicket, 2017).

ترامپ به پدیده جهانی شدن بدبین و بی‌اعتنا است و ملی‌گرایی را ترویج می‌کند. او بعضی از پیمان‌های تجاری مثل نفتا را معامله‌ای بد می‌داند و خواستار اصلاح آن‌ها است. همچنین، ترامپ بر بازسازی قدرت نظامی آمریکا بعد از چند سال کاهش بودجه و کاربرد زور در مقابل دشمنان آمریکا تأکید دارد. ترامپ تروریسم اسلامی به رهبری داعش را مهم‌ترین دشمن آمریکا می‌داند. او استفاده از قدرت نظامی برای تغییر رژیم را رد می‌کند. (Grevi, 2016: 8).

سیاست‌های دولت ترامپ در مورد نادیده گرفتن رژیم‌های بین‌المللی موجود باعث لطمه به امنیت جهانی، حقوق بشر و محیط زیست می‌شود. دولت ترامپ در صدد است با رهیافت مبتنی بر قدرت سخت، مشکلات جهانی را حل کند. طبق این رهیافت آمریکا به علت برتری قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی قدرتمندترین کشور جهان محسوب می‌شود بنابراین معاهدات و قواعد حقوقی تا آنجا برای این کشور اعتبار دارد که تضمین‌کننده منافع و امنیت آمریکا و متحدانش باشد.

از دیدگاه ترامپ، آمریکا با ایجاد نظم بین‌الملل لیبرال بعد از جنگ جهانی دوم یک معامله بد انجام داده است. بنابراین او در صدد پایان دادن به این نظم است و برای این کار سه دلیل دارد: الف) آمریکا با ایجاد اتحادهای نظامی تعهدات زیادی را در سرتاسر جهان پذیرفته است.

ب) اقتصاد جهانی مزیتی برای ایالات متحده آمریکا نداشته است.

ج) آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به مثابه یک مرد قدرتمند اما دلسوز رفتار کرده است. (Wright, 2016).

در حوزه سیاست خارجی، ترامپ در صدد بازتعریف بنیادین منافع ملی آمریکا است. از دیدگاه ترامپ، سیاست خارجی او با ما بازی با حاصل جمع جبری صفر و سهم آمریکا در این بازی باخت بود. صنایع کشورهای خارجی با هزینه آمریکا پیشرفت کرده‌اند و آمریکا کمک‌های مالی فراوانی به ارتش کشورهای دیگر کرده است در حالی که خزانه آمریکا تهی شده است. (Krauthammer, 2017).

ترامپ بعد از ورود به کاخ سفید و مواجه شدن با واقعیت‌های نظام بین‌الملل بعضی از محورهای





کلیدی سیاست خارجی خود را تعدیل نمود که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۴. ۱. سیاست ترامپ در قبال چین

از دیدگاه بعضی از سیاستمداران و نخبگان سیاسی آمریکایی، چین یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان است که سلاح هسته‌ای دارد و از حق و تو در شورای امنیت برخوردار است؛ بنابراین، رقیب راهبردی ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. با توجه به اینکه محورهای بنیادی سیاست خارجی آمریکا در قبال چین بر اساس موضوعات راهبردی، امنیتی و اقتصادی سامان یافته‌اند سیاست خارجی آمریکا در قبال این کشور از زمان نیکسون تا به امروز بیشتر بر اساس سیاستی واقع‌گرایانه و عملگرایانه طراحی می‌شد و در موارد اندکی مثل حادثه میدان تیان آنمن مسائل مربوط به دموکراسی و حقوق بشر در دستور سیاست خارجی آمریکا قرار می‌گرفت.

ترامپ در فرایند تبلیغات ریاست‌جمهوری، سیاست تهاجمی و تجدیدنظرطلبانه خود را از منظر ملی‌گرایی اقتصادی علیه چین مطرح نمود. از دیدگاه او باید با ایجاد موانع تجاری و افزایش تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای وارداتی خصوصاً کالاهای چینی از کالاهای آمریکایی حمایت نمود. از دیدگاه ترامپ اگر چین از مزایای پیوستن به سازمان تجارت جهانی سود برده است در عوض کارگران آمریکایی بیکار شده‌اند» (Puspitasari, 2016). ترامپ تاکنون غیردوستانه‌ترین رویکردها را در برابر چین از خود نشان داده و حتی عبارت «تجاوز بازرگانی به عنف» را در مورد روابط چین با آمریکا به کار برده است. ترامپ بر آن است که آمریکا با میدان دادن بیش از حد به قدرت‌های اقتصادی نوپا، بازارهای جهانی بیشتری به آن‌ها واگذار می‌کند. اعتقاد بر این است که این ایستار، برآمده از نگاه مرکانتیلیستی او به بازرگانی خارجی به‌عنوان یک بازی با نتیجه برد و باخت است» (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۷).

محور دیگر سیاست تجدیدنظرطلبانه ترامپ علیه چین تأکید بر ارتباط با تایوان و سیاست عدم تبعیت از چین واحد بود اما او پس از تشکیل کابینه همانند دیگر رؤسای جمهوری آمریکا با شیوه عملگرایانه از سیاست چین واحد تبعیت نمود. این امر نشانگر درک جدید ترامپ از ساختار نظام بین‌الملل و معادلات قدرت منطقه‌ای و جهانی است. نقش وزرات امور خارجه در تعدیل سیاست خارجی ترامپ بسیار مؤثر است. از دیدگاه رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه، «اهداف روابط آمریکا و چین نه ستیز و نه تقابل بلکه همکاری برد-برد و رعایت ملاحظات متقابل است» (Swaine, 2017).

در عرصه امنیتی بحران هسته‌ای و موشکی کره شمالی مهم‌ترین مسئله در شرق آسیا برای ترامپ محسوب می‌شود. تلاش ترامپ بر این است که با همکاری قدرت‌های بزرگ (مثل روسیه، چین) و نهادهای بین‌المللی (مثل شورای امنیت) بتواند این مسئله را به نتیجه برساند.



ترامپ با تعقیب سیاست عملگرایانه و واقع‌گرایانه تلاش می‌کند از نفوذ چین برای حل بحران هسته‌ای کره شمالی بهره‌برد و قسمتی از هزینه‌های مهار کره شمالی را بر دوش چین بگذارد.

#### ۲.۴. سیاست ترامپ در قبال اتحادیه اروپا

ترامپ اتحادها و نهادهای بین‌المللی را ذیل منفعت ملی آمریکا تعریف می‌کند. «ترامپ درباره ارزش نهادهای چندجانبه شک و تردید دارد و برخلاف رؤسای جمهوری قبلی منافع ملی آمریکا از دید او دایره محدودی را شامل می‌شود». از نظر ترامپ، حقوق بین‌الملل باید در خدمت منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا باشد. «معاهدات و قراردادهای آمریکا با سایر کنشگران بین‌المللی خام هستند و به بازنگری نیاز دارند» (Jervis, 2017: 2).

برخلاف سیاست خارجی آمریکا در قبال اتحادیه اروپا که در طول هفتاد سال گذشته مبتنی بر تقویت همگرایی در اروپا بوده است، ترامپ با انتقاد از این اتحادیه، آن را وسیله‌ای برای پیشبرد منافع اقتصادی آلمان تلقی کرده است. به نظر می‌رسد برداشت ترامپ از اتحادیه اروپا بر این باور استوار است که وجود این اتحادیه سبب تضعیف اقتصاد آمریکا می‌شود (ایزدی، ۱۳۹۵: ۲).

با به قدرت رسیدن ترامپ، اختلاف نظر بین اتحادیه اروپا و آمریکا در امور جهانی بیشتر شده است. سیاست ترامپ در مورد متحدان آمریکا به خصوص اتحادیه اروپا مبتنی بر عقلانیت اقتصادی و محاسبه سود و زیان است و این باعث شکاف بین این دو متحد سنتی شده است. «از دیدگاه ترامپ ساختار ناقص اتحادیه اروپا باعث احاطه نداشتن بر مرزها و شهرنندان و افزایش تروریسم شده است. دیدگاه او متأثر از نظرات نایجل فراز<sup>۹</sup> است که از طرفداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا است. برخلاف روش باراک اوباما رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا، ترامپ بعد از برگزیت<sup>۱۰</sup> یک پیشنهاد تجاری ویژه را با بریتانیا مطرح نمود. با انتخاب ترامپ اجرای موافقتنامه «مشارکت تجاری و سرمایه‌گذاری فرآتلانتیک»<sup>۱۱</sup> میان آمریکا و اروپا با چالش‌هایی مواجه شد. در حالی که سیاست اصلی آمریکا از دوران جنگ سرد تا کنون حفظ اتحاد و یکپارچگی اتحادیه اروپا بوده است» (Special Report, 2016: 13).

نکته قابل توجه این است که رهبران کشورهای اروپایی مثل آلمان، انگلیس و فرانسه، در مبارزات انتخاباتی آمریکا از هیلاری کلینتون حمایت کردند و این امر موجب بدبینی ترامپ به اتحادیه اروپا شد. سیاست ترامپ مبنی بر کاهش جایگاه اتحادیه اروپا در سیاست خارجی آمریکا بعضی از کشورهای اروپایی را نگران کرده است. پیگیری این سیاست نه تنها

9. Nigel Farage

10. Brexit

11. Transatlantic Trade and Investment Partnership



بر مذاکرات موافقتنامه تجارت آزاد بین آمریکا و اتحادیه اروپا اثر می گذارد بلکه بر دیپلماسی اتکای اروپا به واشنگتن نیز تأثیر می گذارد (3: Courmont, 2016).

باین همه به تدریج و با فشار نهادهای رسمی و غیررسمی بر دولتمردان جدید آمریکا دیدگاه‌های سیاسی ترامپ تا حدودی تلطیف شده است: «صدراعظم آلمان آنجلا مرکل گفته است که مذاکرات معاهده تجارت آتلانتیک خوب و منصفانه و بسیار ساده تر از آن بوده است که تصور می کرد. بنابراین پس از تنش اولیه و اختلافات روابط آتلانتیک در دوران ترامپ، به وضوح اصلاحاتی در تفکرات و رفتار سیاسی ترامپ مشاهده می شود. ترامپ متوجه شده است که متحدان اروپایی اش، دارایی و سرمایه‌ای ارزشمند برای ایالات متحده محسوب می شوند. (9: Larres, 2017)

#### ۴. ۳. سیاست ترامپ در قبال ناتو

ترامپ در ایام انتخابات در عرصه امنیت بین الملل نظرات خاصی داشت. او در حوزه سیاست‌های امنیتی به تغییر سیاست‌های هفتادساله امنیتی آمریکا در عرصه بین الملل معتقد بود. ترامپ در وعده‌های انتخاباتی خود با تأکید بر منسوخ شدن<sup>۱۲</sup> پیمان امنیتی ناتو اعلام کرد که چندان به حفظ نظم لیبرال علاقه ندارد و عضویت در نهادهایی مثل ناتو را زیر سؤال برد. از دیدگاه او آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به بعد هزینه امنیت کشورهای اروپایی را پرداخته است، بنابراین عضویت طولانی مدت در ناتو را زیر سؤال برد. ترامپ معتقد است که «هزینه استقرار نیروهای ناتو بسیار زیاد است و این هزینه‌ها را می توان در جایی بهتر مورد استفاده قرار داد» (Wright, 2016). همچنین اشاره می کند که «مأموریت سنتی آمریکا در ناتو تمام شده و این سازمان منسوخ شده است». (3: Cherkaoui, 2016)

ناتو برای دهه‌های متمادی سنگ بنای راهبرد آمریکا بوده است. از دیدگاه امنیتی همکاری اروپا و آمریکا برای مبارزه با تهدیدات جهانی مثل تروریسم و جرائم سازمان یافته جهانی امری حیاتی است. (11: Grevi, 2016)

دیدگاه‌های ترامپ در قبال ناتو انتقادات سیاستمداران مختلف، نهادهای رسمی و غیررسمی در آمریکا و اروپا را برانگیخت. عده‌ای از اندیشمندان روابط بین الملل معتقدند که تضعیف رابطه آمریکا با ناتو در راستای منافع آمریکا نیست. «سازمان ناتو از جنگ جهانی دوم تاکنون دچار بیشترین چالش‌ها شده است. ارتباط ایالات متحده آمریکا با ناتو بیش از هفتاد سال پیشینه تاریخی دارد. منافع آمریکا در راستای تضعیف اتحاد با ناتو نیست». (3: Courmont, 2016) به اعتقاد جونز استولتنبگر، دبیر کل ناتو، «رهبری آمریکا بر بزرگ‌ترین سازمان نظامی جهان

12. obsolete



امری حیاتی است و پیوند فراآتلانتیک باید در دوره ترامپ باقی بماند» (Weaver, 2016). علاوه بر مطالب فوق، ناتو، فراتر از عملکرد امنیتی آن، در رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و شکوفایی کشورهای عضو مؤثر است. بنابراین ترامپ بعد از مواجه شدن با این واقعیت‌ها در صدد تغییر سیاست‌های اعلام شده خود بر آمد. او به مرور و پس از مواجه شدن با واقعیت‌های جهانی سیاست، فشار نهادهای داخلی و نخبگان سیاسی، سیاستی واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه در پیش گرفت.

#### ۴. ۴. سیاست ترامپ در قبال روسیه

ترامپ در ایام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ضمن تعریف و تمجید از رهبری و شخصیت پوتین، از سیاست او با ما در قبال روسیه انتقاد می‌کرد و بر لزوم بازسازی و همکاری دو کشور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید داشت. اما پس از استقرار در کاخ سفید نتوانست به سیاست‌های اعلانی فوق جامه عمل بپوشاند. واقعیت‌های ساختار نظام بین‌الملل، قدرت و بنیان‌های نظم امنیتی ایجاد شده بعد از جنگ جهانی دوم سیاست خارجی ترامپ را در مقابل روسیه به سمت واقع‌گرایی و عملگرایی سوق داد.

مخالفان بازسازی روابط آمریکا و روسیه در عرصه سیاست داخلی آمریکا به خصوص در کنگره و مجلس نمایندگان آمریکا فعالیت دارند. آن‌ها با فشار به دولت باعث شدند در سال ۲۰۱۷ تحریم‌هایی علیه روسیه وضع شود. از طرف دیگر نمایندگان حزب دموکرات معتقدند روسیه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به نفع ترامپ دخالت کرده و همین امر به نقطه ضعف ترامپ در عرصه داخلی آمریکا تبدیل شده است.

بررسی راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ نیز نشان می‌دهد که ترامپ نتوانسته است جبهه ضد روسی مستقر در نهادهای سیاسی و اجرایی آمریکا از جمله کاخ سفید، کنگره، وزارت دفاع و وزارت خارجه را با خود همراه سازد. طبق این راهبرد روسیه در بعضی از عرصه‌ها تهدیدی علیه منافع آمریکا تلقی می‌شود. «روسیه در صدد تضعیف نفوذ آمریکا در جهان است. روسیه با تقویت قدرت هسته‌ای و نظامی تهدیدی برای ایالات متحده آمریکا تلقی می‌شود. علاوه بر تهدیدات هسته‌ای، تهدیدات سایبری نیز از جانب روسیه متوجه آمریکاست. روسیه با ترکیبی از جاه‌طلبی و توانمندی نظامی در اوراسیا نفوذ کرده و باعث بی‌ثباتی در این منطقه شده است.» (The White House, 2017).

#### ۴. ۵. سیاست ترامپ در قبال حقوق بین‌الملل

درک ترامپ از نقش حاکمیت سنتی است. این درک بر مفهوم کنسرت ملل استوار شده



که در قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم بر سیاست بین‌الملل حاکم بوده است. ترامپ با لرد پالمستون،<sup>۱۳</sup> نخست‌وزیر انگلیس، موافق است که در ۱۸۴۸ م گفته بود «در سیاست، متحد یا دشمن ابدی وجود ندارد بلکه منافع دائمی و ابدی وجود دارد و وظیفه ما پیگیری منافع است» (Larres, 2017: 8). ترامپ مثل خیلی از واقع‌گراها مداخلات بشردوستانه برای ایجاد مردم‌سالاری را نامناسب و بخشی از سیاست اشتباه آمریکا در دوره‌های قبل می‌داند. (Jervise, 2017: 2).

اظهار نظرهای ترامپ حاکی از بی‌علاقگی او به نظم کنونی جهان است. مفهوم کلیدی در دستور کار سیاست خارجی ترامپ «نخست آمریکا» است که «ترجیح منافع» آمریکا بر همه امور جهانی است. از دیدگاه ترامپ همه متحدان آمریکا در اروپا و آسیا باید هزینه بیشتری برای تأمین امنیت خودشان پردازند. آمریکا مدت‌هاست که از نهادها و توافقات بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد، توافق پاریس، کنوانسیون تغییرات آب‌وهوا و... سود نبرده است. (Overhaus and Brozush, 2016: 2) هنگامی که او خواهان خروج از پیمان پاریس شد با مخالفت‌های زیادی در داخل و خارج آمریکا مواجه شد. احزاب آمریکا، نخبگان و ایالت‌های مختلف این کشور با این تصمیم ترامپ مخالفت کردند. اغلب کشورهای اروپایی به‌خصوص آلمان و فرانسه خروج آمریکا از پیمان پاریس را سیاستی مضر قلمداد کردند.

ترامپ دیدگاه‌های خود را در مورد نادیده گرفتن سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا به‌صراحت بیان می‌کند. دیدگاه او نشانگر یک جریان فکری گسترده در درون حزب جمهوری‌خواه مبنی بر عدم تناسب این سازمان‌ها با اهداف حزب است. علاوه بر این، چیزی که رهبران و نمایندگان این حزب را نگران کرده این است که سازمان‌های بین‌المللی منافع آمریکا را تأمین نمی‌کنند. برای مثال، ترامپ در مورد سند اهداف هزاره مجمع عمومی سازمان ملل نگرانی‌های جدی دارد. این سند قبلاً برای دستیابی به توسعه پایدار به تصویب کشورهای عضو رسیده بود. سیاست دولت آمریکا مبنی بر معلق کردن پرداخت بدهی به برنامه تغییر آب‌وهوا باعث بحران عمیق در همکاری بین‌المللی با این برنامه شد. اگر آمریکا با عدم پرداخت تعهدات خود باعث بحران مالی برای این سازمان شود اعضای مهم دیگر این سازمان نیز به سمت کاهش حمایت یا ترک سازمان سوق داده می‌شوند. (Special Report, 2016: 18) حضور فعال خانم نیکی هیلی نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد و پیگیری منافع آمریکا در این سازمان نشان می‌دهد که دولت جدید آمریکا در صدد حفظ همکاری با سازمان ملل است. پیگیری سیاست خصمانه دولت جدید آمریکا علیه ایران همراه با تبلیغات رسانه‌ای گسترده در سازمان ملل متحد، حمایت از متحدان سنتی این کشور مثل اسرائیل و عربستان در

13. Palmerston



مجمع عمومی و شورای امنیت، و تو کردن قطعنامه شورای امنیت مبنی بر به رسمیت نشناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، پیگیری سیاست خصمانه علیه کره شمالی و تصویب قطعنامه‌های تحریمی علیه این کشور از مصادیقی است که نشان می‌دهد ترامپ با رویکردی واقع‌گرایانه می‌خواهد از سازمان ملل متحد به عنوان بازوی دیپلماسی سیاسی و امنیتی آمریکا بهره‌برد.

#### ۶.۴. جهانی شدن اقتصاد؛ بنیان رئالیستی اندیشه اقتصادی ترامپ

مرکانتیلیسم فلسفه و روشی است که هدف آن تنظیم زندگی اقتصادی یک ملت توسط دولت برای افزایش قدرت و امنیت کشور است. کشورهای اروپایی از قرن شانزدهم تا اواخر قرن هیجدهم از الگو و سرمشق اقتصادی مرکانتیلیسم پیروی می‌کردند (پلینو، ۱۳۷۹: ۱۸۸). ترامپ یک مرکانتیلیست و سوداگر اقتصادی شناخته شده است که برخلاف مرام اقتصادی حزب جمهوری خواه، هوادار مداخله دولت در اقتصاد و بازرگانی و اعمال سیاست‌های حمایت‌گرایانه است (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۵).

سیاست حمایت‌گرایی ترامپ وضعیت اقتصاد جهان را بدتر می‌کند. این سیاست بر نظم پولی و مالی بین‌المللی تأثیر خواهد گذاشت. چنین سیاستی به دلیل تخریب تجارت جهانی، جریانات مالی و پولی و ایجاد جنگ‌های ارزی بی‌ثباتی نظام مالی بین‌المللی را در پی خواهد داشت (Pitakdumrongkit, 2016).

«ترامپ یک ناسیونالیست اقتصادی و به سخن دیگر یک مرکانتیلیست تمام‌عیار است که به افزایش همگرایی‌های اقتصادی و بازرگانی گرایش ندارد و برعکس، بیشتر در پی واگرایی بازرگانی است. مخالفت او با نفتا هم از همین دیدگاه مایه می‌گیرد. در زمینه بازرگانی خارجی، دیدگاه‌های او با دیگر جمهوری خواهان چندان همسو نیست. او افزایش همگرایی آمریکا با بلوک‌های اقتصادی و بازرگانی را باعث تضعیف اقتصادی ایالات متحده آمریکا و تحمیل هزینه‌های بیهوده و گزاف به شهروندان آمریکایی می‌داند» (Walt, 2016).

یکی از مهم‌ترین انتقادات به سیاست‌های اقتصادی ترامپ در حوزه بین‌الملل، مربوط به برنامه‌های مبتنی بر ناسیونالیسم اقتصادی و سیاست‌های حمایت‌گرایانه اوست. «نقطه ضعف ترامپ، مخالفت آشکار او با بین‌المللی تر شدن اقتصاد آمریکا و از جمله پیوستن آن به پیمان‌های گوناگون بازرگانی و کشاندن آمریکا به سوی انزوا در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی است. گویی که ترامپ واقعیت‌های اقتصادی و بازرگانی جهان کنونی را به خوبی نمی‌شناسد و همچنان در رؤیای سال‌های رونق اقتصادی آمریکا در دوران پس از جنگ جهانی دوم است. اندیشه‌های ترامپ ممکن است جهان را با بن بست بازرگانی روبرو سازد و گذشته از دامن زدن



به آشفته‌گی‌های کنونی موجب بالاگرفتن ناسازگاری‌های سیاسی حتی میان شرکا و متحدان آمریکا شود» (رضایی ۱۳۹۵: ۱۹).

باین حال، ترامپ پس از مواجه‌شدن با واقعیت‌های نظام بین‌الملل در حال سوق‌دادن سیاست‌های خود به سوی عملگرایی است. او باینکه شعار خروج از نفتا را مطرح کرده بود در مذاکراتی که در اجلاس اخیر نفتا در سال ۲۰۱۷ با کشور کانادا و مکزیک داشت بیشتر بر سیاست مذاکره برای کسب امتیاز بیشتر تأکید داشت و همین امر را نیز کشورهای فوق نپذیرفتند.

## ۵. نتیجه

فضای سیاسی آمریکا بعد از به‌قدرت‌رسیدن ترامپ به شدت قطبی و متعصبانه شده است. دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در بسیاری از موارد، به‌طور فزاینده‌ای، انعطاف‌ناپذیر شده‌اند. ترامپ به‌عنوان یک رئیس‌جمهور پوپولیست با درخواست فزاینده مردم در حوزه اقتصاد مواجه است و این امر باعث اهمیت یافتن محیط داخلی آمریکا برای ترامپ شده است تا جایی که بعضی آن را سیاست انزواگرایی جدید در آمریکا نام نهاده‌اند.

سیاست اولیه دولت ترامپ بی‌توجهی به معاهدات و قواعد حقوقی بین‌المللی و نادیده‌گرفتن نظم جهانی پدید آمده بعد از جنگ جهانی دوم بود. از دیدگاه ترامپ، با توجه به تعهدات روزافزون آمریکا نسبت به متحدانش و تحمیل این هزینه‌ها بر مردم آمریکا ضرورت تغییر جدی در سیاست خارجی آمریکا احساس می‌شود.

اما در عالم واقع، با توجه به فرایند روبه‌رشد جهانی شدن در عرصه اقتصادی و نادیده‌گرفتن مرزها، ترامپ در سیاست خارجی خود با درپیش گرفتن روندهای برعکس جهانی شدن و تأکید بر شاخص‌هایی مثل مرزها با مشکلات و چالش‌های متعددی مواجه شد. بسیاری از مشکلات و چالش‌های جهان امروز مثل انتشار بیماری‌های مسری، تغییرات آب‌وهوایی، چالش‌های اقتصادی و مهاجرت در مقیاس جهانی در چارچوب حاکمیت ملی قابل حل و فصل نیستند بلکه ارتباطات پیچیده جهانی برای این امر ضروری است. بنابراین، نیاز جامعه جهانی امروز هماهنگی برای رفع چالش‌های اقتصادی در چارچوب اقتصاد جهانی است.

باینکه ترامپ در دوران مبارزات انتخاباتی شعارهای تندوتیزی مطرح نمود به‌مرور بر اثر فشار نهادهای رسمی و غیررسمی از وعده‌های انتخاباتی خود در حوزه سیاست خارجی عدول کرد. بسیاری از مطالبی که ترامپ در دوران مبارزات انتخاباتی در حوزه سیاست خارجی مطرح کرده بود اکنون در حال تغییر است.

با توجه به خروج نظریه‌پردازانی مثل استیو بنن از گروه مشاوران ترامپ و تقویت جناح



عملگرا و واقع گرا، تغییرات بیشتری در سیاست‌های اولیه ترامپ ایجاد شد. این تغییرات در حوزه اقتصادی، امنیتی و سیاسی با بینش و روش واقع گرایانه و عملگرایانه صورت می‌گیرد. ترامپ در عرصه امنیتی اندیشه منسوخ بودن ناتو را کنار گذاشت و خواهان افزایش سهم بودجه سایر کشورها شد. همچنین با وجود اعلام خارج شدن از پیمان آب و هوایی پاریس و TTIP فرایند اجرایی کردن آن را به تعویق انداخت. او از سیاست خصمانه علیه چین که قبلاً مطرح کرده بود عدول کرد و به سیاست همکاری توأم با انتقاد روی آورد. جبهه ضد روسی مستقر در نهادهای مختلف آمریکا و ذهنیت و واقعیت‌های امنیتی ساختاریافته که نظم امنیتی ایجاد شده بعد از جنگ جهانی دوم آن‌ها را پدید آورده، این اجازه را به ترامپ نداد که سیاست دوستی با پوتین را پیش ببرد. او در اثر فشارهای نهادهای قانونگذاری در آمریکا، تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه را امضا کرد و از عملکرد این کشور در مناطق مختلف جهان از جمله اوراسیا، خاورمیانه (بحران سوریه) و شرق آسیا (بحران کره شمالی) انتقاد کرد. با توجه به موارد فوق، می‌توان نتیجه گرفت که ترامپ پس از مواجه شدن با واقعیت‌های سیاسی در حال حرکت به سمت سیاست خارجی عملگرا و واقع گراست.

### کتابنامه

- از غندی، علی رضا و روشندل، جلیل. ۱۳۷۴. *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*. تهران: سمت. ایزدی، پیروز. ۱۳۹۵. «ترامپ و اروپا؛ روابط فراآتلانتیکی». گزارش شماره ۲۵۷. معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی. مرکز تحقیقات استراتژیک. قابل دسترس در: [http://www.csr.ir/files/fa/news/1395/11/17/1034\\_881.pdf](http://www.csr.ir/files/fa/news/1395/11/17/1034_881.pdf)
- پلینو، جک‌سی. ۱۳۷۹. *فرهنگ روابط بین‌الملل*. ترجمه و تحقیق حسین پستا. تهران: فرهنگ معاصر.
- دوئرتی، جیمز و فالتز گراف، رابرت. ۱۳۸۸. *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی و علی رضا طیب. تهران: قومس.
- قوام، عبدالعلی. ۱۳۸۶. *روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۹. *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
- رضایی، مهدی. ۱۳۹۵. «دیدگاه‌های اقتصادی هیلاری کلینتون و ترامپ، دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا». *دوماهنامه سیاسی - اقتصادی*. شماره ۳۰۴ (تابستان). صص ۱۹-۱۲.
- سیف‌زاده، سید حسین. ۱۳۸۲. *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- Alili, Ahmad. 2017. "Trump Foreign Policy Impact in the Caucasus: Projecting Azerbaijan-USA relations for the next four years and beyond". Available at: [http://cesd.az/new/wp-content/uploads/2017/01/CESD\\_Paper\\_Trump-foreign-policy-impact-in-the-Caucasus.pdf](http://cesd.az/new/wp-content/uploads/2017/01/CESD_Paper_Trump-foreign-policy-impact-in-the-Caucasus.pdf) pp 2-16.





- Brands, Hal. 2017. "Can U.S. Internationalism Survive Trump? American internationalism is not dead yet, but that it faces serious long term maladies". *Foreign Policy*. Available at: [www.foreignpolicy.com/2017/05/25/can-u-s-internationalism-survive-trump](http://www.foreignpolicy.com/2017/05/25/can-u-s-internationalism-survive-trump).
- Cherkaoui, Mohammed. 2016. "Clinton versus Trump: Two-Distant Visions for America". Available at: <http://scar.gmu.edu/sites/default/files/MCherkaoui%20Report%20on%20US%20Politics.pdf>. pp 1-17.
- Courmont, Barthélémy. 2016. "TRUMP'S Foreign policy: Implications for Europe and East Asia". Available at: <http://www.iris-france.org/wp-content/uploads/2016/11/Asia-Focus-6-itw-BC.pdf>. pp 1-9.
- Cruz, Roman. 2017. "Trump's isolationism on full display at international climate talks". Available at: <http://thehill.com/opinion/energy-environment/361390-trumps-isolationism-on-full-display-at-international-climate-talks>.
- Grevi, Giovanni. 2016. "Lost in transition? US foreign policy from Obama to Trump". Available at: [http://www.epc.eu/documents/uploads/pub\\_7240\\_lostin-transition.pdf](http://www.epc.eu/documents/uploads/pub_7240_lostin-transition.pdf). pp 3-16
- Haar, Roberta. 2016. "The Trump effect on US foreign policy". Available at: [https://www.atlcom.nl/ap\\_archive/pdf/AP%202016%20nr.%205/Haar.pdf](https://www.atlcom.nl/ap_archive/pdf/AP%202016%20nr.%205/Haar.pdf). pp 1-6.
- Jervis, Robert. 2017. "ISSF Policy Series: President Trump and IR Theory". Available at: <https://networks.h-net.org/node/.../issf-policy-series-president-trump-and-ir-theory>.
- Krauthammer, Charles. 2017. "Trump's foreign policy revolution". Available at: [https://www.washingtonpost.com/opinions/global-opinions/trumps-foreign-policy-revolution/2017/01/26/c69268a6-e402-11e6-ba11-63c4b4fb5a63\\_story.html?](https://www.washingtonpost.com/opinions/global-opinions/trumps-foreign-policy-revolution/2017/01/26/c69268a6-e402-11e6-ba11-63c4b4fb5a63_story.html?hpid=hp_hp-top-table-main-trump%3Aforeign-policy%3Ahomepage%2Ft)
- Laderman, Charlie. 2017. "Conservative Internationalism: An Overview". Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd. Available at: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0030438717301163>.
- Larres, Klaus. 2017. "Donald Trump and America's Grand Strategy: U.S. foreign policy toward Europe, Russia and China". Available at: <http://www.global-policyjournal.com/articles/conflict-and-security/donald-trump-and-america%E2%80%99s-grand-strategy-us-foreign-policy-toward-eu>.
- Overhaus, Marco and Brozush, Lars. 2016. "US Foreign Policy after the 2016 Elections Presidential Contenders' Opposing Concepts and Domestic Political Dynamics". Available at: [https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2016C33\\_ovs\\_bzs.pdf](https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2016C33_ovs_bzs.pdf). pp 1-14
- Pitakdumrongkit, Kaewkamol. 2016. "The Rise of Trump and Its Global Implications Trump's Victory: Future of International Monetary and Financial System". Available at: <https://www.rsis.edu.sg/wp-content/uploads/2016/11/CO16278.pdf>. pp 1-3.
- Puspitasari, Ratih. 2016. "Future of the global economy after Trump's victory". Available at: <http://www.thejakartapost.com/academia/2016/11/11/fu>



- ture-of-the-global-economy-after-trumps-victory.html.
- Special Report. 2016. *Future Policy Organization Rethinking our world*. Available at: <https://fpoglobal.com/control/wp-content/uploads/2016/11/Trump-For-ign-Policy-Challenges.pdf>.
- Swaine, Michael D. 2017. "Chinese Views on the Trump Administration's Asia Policy". Available at: <http://carnegieendowment.org/2017/06/01/chinese-views-on-trump-administration-s-asia-policy-pub-70143>.
- The White House .2017. *National Security Strategy*. Available at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/.../2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>.
- Walt, Stephan. 2016. "Could There Be a Peace of Trumphalia?". Available at: <http://foreignpolicy.com/2016/11/14/could-there-be-a-peace-of-trumphalia>.
- Weaver, Matthew. 2016. "World leaders react to Donald Trump's US election victory". Available at: <https://www.theguardian.com/us-news/2016/nov/09/world-leaders-react-to-donald-trumps-us-election-victory>.
- Wolfforth, William C. 2008. *Realism and Foreign Policy; Theories, Actors, Cases*. Edited by Steve Smith and Amelia Hadfield and Tim Dunne. Oxford University Press.
- Wright, Thomas. 2016. "The 2016 presidential campaign and the crisis of US foreign policy". Available at: <https://www.lowyinstitute.org/publications/2016-presidential-campaign-and-crisis-us-foreign-policy>.